

عنوان مقاله:

ابتکار کمر بند و راه چین در غرب آسیا از دیدگاه نظریه های اقتصاد سیاسی بین الملل

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره 3، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

رضا عزیزی - دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

امیر محمد حاجی یوسفی - دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

ادبیات تولیدی پژوهش گران اقتصاد سیاسی بین الملل درباره ابتکار کمر بند و راه چین و تاثیرات آن در غرب آسیا ذیل چهار کلان نظریه رئالیستی، لیبرالیستی، سازه انگاری، و مارکسیستی جای می گیرد و غالباً مبتنی بر پیش بینی بدون داده عینی کافی و نیز تقلیل گرا و تک عاملی اند. به طوری که برخی صرفاً براساس منطق تداوم و ثبات پدیده ها به سیاست قدرت (رئالیسم)، برخی در فضای جهانی شدن اقتصاد به سیاست منفعت (لیبرالیسم)، برخی براساس معنا، هویت، و ملیت به سیاست هویت (سازه انگاری)، و در نهایت برخی هم براساس طبقه، سلطه، و امپریالیسم به سیاست سلطه طبقاتی (مارکسیسم) به آن توجه کرده اند. سوال این مقاله این است که کدام نظریه تاثیرات ابتکار کمر بند و راه در اقتصاد سیاسی غرب آسیا را بهتر تبیین می کند. با مقایسه این کلان نظریه ها، ایده این مقاله این است که مفهوم رژیم های بین المللی اقتصادی کیهان و نای در کتاب قدرت و وابستگی متقابل، به ویژه مدل فرایندهای اقتصادی آنان، که شبیه روندهای سه گانه یاد شده است، به مثابه نظریه میان برد که به آن واقع گرایی تعدیل یافته هم می گویند، مفاهیم نظری مناسب تری برای توصیف و تبیین پیچیدگی ابتکار کمر بند و راه در غرب آسیا فراهم می سازد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که ابتکار کمر بند و راه در غرب آسیا موجب تقویت و افزایش کالاهای عمومی مانند سرمایه، خدمات، و کار شده و به تبع باعث تقویت همکاری اقتصادی، سرمایه گذاری، فناوری های حمل و نقل و ارتباطات، و نیز افزایش انگیزه دولت ها برای تقویت اقتصادمحور شدن سیاست خارجی شده است.

کلمات کلیدی:

اقتصاد سیاسی بین الملل، غرب آسیا، ابتکار کمر بند و راه، رژیم های بین المللی اقتصادی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1608108>

